

# اثرات باعوت و توشه ها با عوتگران

پیکر مسعود عبادی

## دعوت و اثرات آن در فرد و جامعه

هر جامعه‌ای که در مسیر راستین دعوت الی الله قرار گیرد، از خواب غفلت بیدار شده، راه ترقی و تکامل را پیموده، به اوج تعالی و پیشرفت خواهد رسید؛ ارزشهای حقیقی برگرفته از دین، فضیلت‌های نشأت یافته از حق و حقیقت در جامعه احیاء و زندگی در مسیر قرآن و سنت قرار خواهد گرفت. سیرت و صورت و سرپرست افراد جامعه اسلامی به این ارزشها و فضایل آراسته خواهد شد، باورها و اعتقادات دینی در چنین جامعه‌ای ارج و قرب خود را باز خواهد یافت.

جامعه‌ای که بر بنیاد دعوت الی الله باشد و دعوت را سرلوحه امور زندگی افراد خود قرار دهد، نه تنها باورها و اعتقادات دینی و شعائر مذهبی به مرور زمان کم‌رنگ نخواهد شد، بلکه روز به روز ایمان به اعتقادات در آن جامعه رشد یافته‌تر و عمیق‌تر شده و افراد جامعه به حقیقت آیین خود عقیده‌مندتر خواهند شد. جهالت و ناآگاهی، شرک و بت پرستی از چنین جامعه‌ای رخت بر بسته، آگاهی و فرهنگ و توحید و یکتاپرستی جایگزین شده و بالاخره تمدنی ایجاد خواهد شد که هیچ همانندی برای آن یافت نشود، همانند مدینه رسول الله صلی الله علیه و سلم.

از ویژگیهای بارز دعوت الی الله، تحول آفرینی در جان و روان انسان می‌باشد، به گونه‌ای که صفحه جدیدی از حیات و زندگی را رقم زده، سستی و کسالت را به قاطعیت و پویایی تبدیل می‌نماید و تولدی دوباره به انسان می‌بخشد و باعث می‌شود، تا فرد از جهانی که در آن زندگی می‌کند پا به عرصه جهانی دیگر بگذارد. در سایه دعوت حق است که مسلمان معنویت فراموش شده خویش را (خود واقعی و راستین خود را) باز می‌یابد، و به هویتی مستقل و شخصیتی ممتاز می‌رسد، هویتی اصیل، تاریخی و ریشه دار، هویتی که خصوصیات و ماهیت آن از دین اسلام، برگرفته است.

دعوت، آزادی و شرافت را برای انسان به ارمغان آورده، اعتماد به نفسی بدون غرور به انسان می‌بخشد و انسان را بر خویشتر

شرایط حاکم بر زندگی بشر، شرایط وارونه‌ای است؛ به گونه‌ای که ارزشها، ضد ارزش و ضد ارزشها، ارزشمند تلقی شده‌اند. رذیلتها، فضیلت انگاشته شده و زشتیها به جای نیکیها ستوده می‌شوند. انسانیت تحقیر شده، شأن روحانی و معنوی انسان از یاد رفته است؛ بشر از پرورشهای معنوی و احیای سجایای اخلاقی مایوس گردیده است؛ دوران انسانیت و زندگی انسانی سپری شده است؛ انسانها همچون چهارپایان افسار گسیخته، بنده شکم و دنیا شده و در آتش شهوت گرفتارند، بدون توجه به سرشت و طبیعت خود و بدون توجه به احتیاجات و نیازهای حقیقی و درونی خود، پا به عرصه زندگی نهاده، یوغ ستم بر گردن گرفته و با جدیت تمام در جهت کسب دستاوردهای خیره کننده تمدن جدید، تلاش و کوشش می‌نمایند.

امروز بیش از هر زمان دیگر، سیل بنیان کن فساد، جوامع را فرا گرفته، بحرانیهای گوناگون اخلاقی، فکری، عقیدتی همه جادامن گستر شده است؛ بی‌ایمانی و بی‌آرامی، خودستایی و نفع‌طلبی، لذت‌پرستی و شهوت‌گرایی، بی‌تفاوتی و بی‌عملی بر تمام ابعاد زندگی سایه گسترانیده است. کینه‌توزی و انتقام‌جویی، عهدشکنی و خیانت در امانت، دروغ‌گویی و فریبکاری، بزهکاری و فساد اخلاقی، خودسری غرائز و بی‌قید و بندی تمایلات حیوانی جزو خلق و خوی انسانها شده است، بالا رفتن جرم و جنایت، شدت یافتن قساوتها و سنگدلی‌هایی که حتی در شأن درندگان و سباع نیست، نه تنها در جوامع غیر مسلم بلکه در جوامع اسلامی نیز نمودی آشکار پیدا کرده است.

در چنین شرایطی، جامعه ما و جهان، همچنان. و امروز بیش از هر زمان دیگر. به پیام پیام آوران عزت و رحمت، و به کلام قاصدان عشق و ایمان، و به انفاس مسیحایی انسانهای مستقل و آزاده‌ای چون دعوتگران نهضت جهانی جماعت تبلیغ نیازمند است، تا در پر تو محنت و تلاش مخلصانه آنها، در مسیر حق و حقیقت، ارزش و فضیلت، ایمان و آگاهی و نور و رهایی قرار گرفته و از خواب غفلت بیدار شود.

محوری از حق و حقیقت و در مسیر راستین قرآن و سنت قرار گرفت، ارزشهای والای دینی و فضایل شایسته انسانی بر جامعه اعراب حاکم شد. آداب و رسوم جاهلی از زندگیها رخت بر بست و باورها و اعتقادات اسلامی و سنتهای زیبای نبوی جایگزین آنها شد، اعراب در پرتو پذیرش دعوت حق، تحولی همه جانبه، تولدی دوباره و هویتی نوین یافتند، و از حضيض ذلت به اوج عزت، و از اعماق جهالت و نا آگاهی به بلندای معرفت و شناخت رسیدند و در کمتر از یک ربع قرن تمدن سازترین و فرهنگ سازترین جوامع بشری گردیدند.

آنچه باعث این تحول عظیم در زندگی اعراب جاهلی شد؛ یکی ماهیت حقانی دعوت بود و دیگر عرضه صحیح دعوت توسط دعوتگرانی حقانی. دعوتگرانی چون رسول خدا صلی الله علیه و سلم و اصحاب مجاهدش که در جهت اصلاح جامعه و نجات انسانها از لجنزار دنیا و راهنمایی آنها به سوی سعادت و رستگاری حقیقی، خود همچون شمع سوختند تا روشنگر راه دیگران شدند.

این مقصود حاصل نمی شود مگر برای کسانی که خود را شایسته راه دعوت نمایند. کسب این شایستگی نیز دارای شرایط ویژه ای است و قابلیت های خاصی را می طلبد. شرایط ویژه و قابلیت های خاصی که انسان را شایسته راه دعوت می نماید، توشه ها و صفات بسیاری است که می بایستی دعوتگران خود را بدانها بیارند، اما از آنجایی که ذکر تمام صفات و توشه های لازم برای دعوتگران بسیار است و در مقاله ای مختصر نمی گنجد از این رو به ذکر مهمترین آنها اکتفاء می نمایم.

### صفات دعوتگران

#### ۱. اخلاص؛

اولین توشه ای که هر دعوتگری باید خود را بدان مسلح نماید، صفای باطن و خلوص نیت است، داشتن نیتی پاک و ضمیری منزه از ریا و خودنمایی؛ اساسی ترین گام برای دعوت است، یک دعوتگر می باید اندیشه خودنمایی را از خاطر بزدايد و در خلوت و جلوت کارهای خود را در کمال خلوص و به منظور وظیفه شناسی و اطاعت از اوامر الهی انجام دهد.

مسلط می نماید، تا جایی که بتواند بر هوی و هوس خود کنترل داشته، به وظایف خود عمل نماید، خوب و بد را بشناسد، و در راه اصلاح مفسد اجتماعی و برداشتن موانع تعالی و ترقی انسانها، هر گونه فشارها و ناملايمات را تحمل نماید و برای احیای حق و ابطال باطل آماده شود. از آنجایی که از دعوت به ام الحسنات یاد می شود، در واقع احیای دعوت، احیای تمام نیکیها و ارزشهایی است که قرآن و سنت، انسانها را بدان فرا می خوانند، ارزشهایی که ره آورد آنها، عزت و سربلندی و افتخار است، خداوند متعال در پرتو دعوت دین خود چنان عزتی به مسلمانان و جامعه اسلامی خواهد بخشید که کفار و مشرکان انگشت تعجب به دندان خواهند گرفت. بررسی جامعه جاهلی عرب و جامعه اسلامی بعد از آن نشانگر صداقت گفتمان فوق می باشد.

### اثرات دعوت رسول خدا صلی الله علیه و سلم بر جامعه عرب

اعراب قبل از پذیرش دعوت رسول الله صلی الله علیه و سلم در اعماق جاهلیت غوطه ور بودند، و در تاریکترین ادوار تاریخ خود بسر می بردند، به گونه ای که از خصائص و ویژگیهای انسانی و فضائل اخلاقی اثری مشهود نبود. درندگی و وحشی گری وجه امتیازی بر ایشان شده بود. زندگیشان بر محوری باطل قرار داشت، ارزشهایی ناپسند بر جامعه شان حاکم شده بود، نه دارای فرهنگی بودند و نه تمدنی، باطل با تمام قوا بر تمام ابعاد زندگیشان سایه گسترانیده بود، از نظر جایگاه جهانی فرهنگ و تمدن در ردیف پست ترین جوامع بودند. تصویر روشنی از زندگی اعراب قبل از اسلام را می توان از سخنان حضرت جعفر بن ابیطالب در دربار نجاشی دریافت.

وی می فرماید: «شاهها! ما گروهی بودیم نادان و بت پرست که از خوردن مردار اجتناب نمی کردیم همسایه پیش ما احترامی نداشت، ضعیف و درمانده محکوم زورمندان بود، از ارتکاب فحشا و بی بند و باری باکی نداشتیم، رشته خویشاوندی را می بریدیم و...»<sup>۱۱</sup>

تاریخ گواه صادقی بر جهالت و نا آگاهی و ذلت اعراب قبل از اسلام است، اما، پس از پذیرش دعوت رسول خدا صلی الله علیه و سلم زندگی اعراب بر

### شاهها! ما

گروهی بودیم  
نادان و بت  
پرست که از  
خوردن مردار  
اجتناب  
نمی کردیم  
همسایه پیش ما  
احترامی  
نداشت، ضعیف  
و درمانده  
محکوم  
زورمندان بود،  
از ارتکاب فحشا  
و بی بند و باری  
باکی نداشتیم،  
رشته  
خویشاوندی را  
می بریدیم و...



اساس مبنای پذیرش دعوت از طرف خداوند و همچنین عامل اساسی موفقیت و قدرت و قوت دعوت، اخلاص و للهیت است. هر اندازه در دعوت اخلاص بیشتری باشد میزان مقبولیت و قدرت تحول آفرینی آن بیشتر خواهد بود، استاد ابوالحسن ندوی رحمه الله می فرماید: «اخلاص، در فعالیت‌های اصلاحی و مجاهدتهای اسلامی، روحی تازه دمیده و قوت و نشاط آنها را می افزاید. در عبادت، روحانیت و در علم، نورانیت و در تعلیم و تعلم، قوت و برکت و در وعظ و خطابه، تأثیر و در دعوت و اصلاح، نیرو و مقبولیت و در تألیف و نویسندگی، تأثیر و زیبایی و بالاخره در افراد جامعه، محبت و اخوت و ایثار از دست رفته را باز می گرداند.»<sup>(۳)</sup>

از آنجایی که کار دعوت امری اجتماعی است و همواره دعوتگران در تعامل با افراد اجتماع مورد تعریف و تمجید و تحسین دیگران قرار می گیرند، شائبه ریا و تزویر در دعوتگران بیش از سایر اقشار است. چه بسا افرادی که به خاطر کسب جایگاه اجتماعی، آبرو و شخصیت و قدر و منزلت به کار دعوت دست می یازند. اینان کسانی هستند که چون دعوتشان مورد پذیرش قرار گیرد خوشحال شده و در کار خود جدی می شوند و چون دعوتشان مورد پذیرش قرار نگیرد سست شده دست از دعوت می کشند، اما دعوتگران مخلص هیچ گاه از حالات جامعه تأثیری نمی پذیرند، دل در گرو رضای حق دارند و با خلوص و للهیت به کار خود مشغول هستند. چون هدف از دعوت در نظر اینان کسب مقام و جایگاه و شهرت نیست، از این رو همچون الگو و اسوه خود حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم همه چیز را فدای نام الله می کنند. جان و مال، وقت، شهرت و مقام و حتی آبرو و عزت خود را.

پس شایسته است که دعوتگران برای تصحیح نیت‌های خویش تلاش و کوشش نمایند و اعمال خود را در جهت کسب رضای الله تعالی قرار دهند. زیرا خداوند سبحان عمل عاری از اخلاص را نمی پذیرد.

### ۲. تزکیه و اصلاح نفس؛

تزکیه و تهذیب نفس زیر بنای ترقی و رکن اساسی تکامل انسان است. آنگاه که انسان خویشتن را از تنگنای غرور شهوات و لذایذ جسمانی بیرون کشید و

غرائز کور و بیشعور خود را تعدیل نمود و جهت تأمین سعادت مادی و معنوی خویش، نفس سرکش خود را که به رذایل و صفات ناپسند گرایش دارد با مجاهده و کوشش و مشقت و زحمت به راه فضیلت سوق داد از روحی تکامل یافته و سرشار برخوردار خواهد شد. داشتن روح متعالی و تکامل یافته از توشه‌هایی است که دعوتگران سخت بدان نیازمندند تا در پرتو آن بتوانند در فراز و نشیب راه طاقت فرسای دعوت با عزمی آهنین و همتی استوار گام بردارند تا بتوانند جوامع را از خواب غفلت بیدار نمایند.

شگفتی‌های بسیاری در تاریخ بشر دیده می شوند که حتی عقل از تصور آنها عاجز است، این همه، معلول نیروی پر توان روح تکامل یافته شگفتی آفرینانی بوده است که در سایه مجاهده با نفس، روح خود را از قیود و موانع مادی آزاد نموده‌اند. استاد ندوی در کتاب تزکیه و احسان می نویسد: «کسانی که در تاریخ اسلام نقش مؤثری در تجدید حیات فکری و تربیتی جامعه داشته‌اند از مقام بلند روحی برخوردار بوده‌اند.»<sup>(۴)</sup>

اصل مسلم پیروزی در عرصه تجدید و اصلاح و دعوت، تکامل و تعالی روح است، و این حاصل نخواهد شد مگر در سایه تزکیه و تهذیب نفس، استاد در کتاب مذکور اشاره صریحی به این مطلب دارد، وی می نویسد: آن نیروی معنوی و روحی و شخصیت توانا و برجسته و اخلاص و ربانیت، و عشق و عاطفه، و شجاعت و شهامت که ما برای فداکاری و جانبازی، جهاد و مبارزه و تجدید و اصلاح و فتح و تسخیر بدان نیاز داریم. در اکثر اوقات بدون تصفیه روح و تهذیب نفس و ریاضت و عبادت پدید نیامده و بظهور نخواهد پیوست.<sup>(۴)</sup>

از این رو بر دعوتگران است تا جهت کسب مبادی فضیلت و صفات عالی انسانی و ترقی و تعالی روح خود، هیچگاه از تهذیب نفس غافل نشده و بر مبارزه و جهاد مستمر علیه نفس پایبند باشند، تا بتوانند خود را شایسته راه دعوت نمایند.

### ۳. اخلاق اسلامی؛

سیرت پاکیزه، افعال پسندیده، صفات عالی و اخلاق وارسته از عوامل مؤثر برای دعوت الی الله و جذب مردم بسوی اسلام است. حسن خلق از مهمترین عوامل پیروزی و از برترین توشه‌هایی است که یک

- ✓ کسانی که
- در تاریخ
- اسلام نقش
- مؤثری در
- تجدید حیات
- فکری و
- تربیتی
- جامعه
- داشته‌اند از
- مقام بلند
- روحی
- برخوردار
- بوده‌اند.

رفتارشان را بدان آراسته اند.<sup>(۷)</sup>

مهمترین و برترین این صفات به طور فهرست وار شامل موارد زیر می باشد.

۱- صبر و شکیبایی ۲- صداقت و درستکاری ۳- تواضع و فروتنی ۴- پرهیز از بدگمانی و غیبت ۵- سخاوت و بخشندگی ۶- شرم و حیاء ۷- حفاظت چشم و گوش و زبان ۸- زهد و تقوی ۹- شفقت و مهربانی ۱۰- استقامت و پایداری.

#### ۴. تطابق رفتار و گفتار؛

از اولی ترین و ارزشمندترین توشه ها برای داعی الی الخیر تطابق رفتار و گفتار است. از آنجایی که جامعه به دعوتگران بعنوان الگو می نگرد شایسته است که داعی از لحاظ عمل به اعمالی که مردم را به سوی آن دعوت می دهد الگو باشد. اگر دعوتگر نتوانست رفتار و کردارش را مطابق قول و گفتار خود نماید و یا بر خلاف آنچه می گوید عمل نمود، مایه فساد و تباهی در جامعه شده و موجبات دین گریزی را فراهم خواهد آورد. یکی از عوامل مهم گریز مردم از دین بخصوص جوانان، عدم تطابق رفتار و کردار دینداران و منتسبان به دین، با قول و گفتارشان است. بیچاره و مفلس اند کسانی که دیگران را به سوی خیر دعوت می دهند، اما خود را فراموش می کنند، الله تعالی در قرآن می فرماید: اتأمرون الناس بالبر و تنسون انفسکم... «آیا مردم را به نیکوکاری فرمان می دهید (و از ایشان می خواهید که بیشتر به طاعت و نیکوکاری پردازند و از گناهان دست بردارند) و خود را فراموش می کنید (و به آنچه به دیگران می گوید، خودتان عمل نمی کنید؟) مفتی محمد شفیع عثمانی در ذیل این آیه می نویسد: «گر چه این آیه در مذمت علمای یهود است اما از لحاظ معنی این مذمت شامل کسانی می گردد که دیگران را بکار نیک ترغیب کنند ولی خود بدان عمل ننمایند و یا دیگران را از خدا بترسانند و خود نترسند»<sup>(۸)</sup> اما این مطلب بدان معنا نیست که فرد بی عمل و یا کم عمل دیگران را به نیکی دعوت نکند و یا از بدیها منع ننماید، مولانا در ادامه تفسیر می نویسد: نمی توان گفت که برای فرد بی عمل و فاسق جایز نیست که دیگران را نصیحت کند و کسی که خود مبتلا به گناهی باشد، نباید دیگران را توصیه به امتناع از آن نماید، زیرا کار خوب یک نوع نیکی است و تبلیغ

داعی می بایستی بدان مسلح شود تا بتواند در تعالی و رشد دینی جامعه گامی اساسی بردارد. بررسی زندگی دعوتگران بزرگ و موفق گواه این ادعا است. خداوند متعال در قرآن عظیم الشان به رسول اکرم صلی الله علیه و سلم می فرماید: «فبما رحمة من الله لنت لهم و لو كنت فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك فاعف عنهم و استغفر لهم...» پس به سبب رحمت خداست که تو نرم دل شدی برای آنان و اگر تندخوی و سخت دل می بودی هر آینه پراکنده می شدند از اطراف تو پس آنها را عفو کن و برای آنها آموزش بخواه، حضرت مولانا مفتی محمد شفیع عثمانی ذیل تفسیر این آیه می نویسد اگر نرم دلی، خوش اخلاقی، عفو و گذشت و لطف و مهربانی در وجود رسول الله صلی الله علیه و سلم نمی بود، وظیفه اصلاح خلاق به نحو احسن انجام نمی یافت و مردم به جای اینکه خود را اصلاح نمایند و از تزکیه اخلاق برخوردار باشند، از اطراف رسول الله صلی الله علیه و سلم می گریختند و می نویسد: «کسی که می خواهد کار ارشاد و هدایت و دعوت الی الله و اصلاح خلق را به عهده بگیرد، برای او لازم است که این صفات را در خود پدید بیاورد؛ زیرا وقتی که شدت برخورد از محبوب خدا صلی الله علیه و سلم قابل تحمل نیست، چه کسی می تواند با تشدد و بداخلاقی مردم را گرد خود جمع کند و فریضه اصلاح آنها را انجام دهد»<sup>(۹)</sup> وی در ادامه می نویسد: «برای مصلح [دعوتگر] لازم و ضروری است که از عوام الناس بنا بر اشتباهاتی که پیش می آید انتقام نگیرد و با عفو و گذشت برخورد نماید و در برابر بدگویان مشتعل نشود و با آزار و اذیت کنندگان با نرمش پیش بیاید و از ته دل خیرخواه آنان باشد و برای نجات آنها از عذاب آخرت دعای آموزش نماید»<sup>(۱۰)</sup>

مولانا از این آیه استنباط می نماید که برای مصلح و مبلغ اختیار کردن سه صفت لازم و ضروری است: ۱. اجتناب از خشونت و کج خلقی ۲. اجتناب از انتقام و کینه ۳. خیرخواهی و دلسوزی نسبت به کسانی که از آنها اشتباه سر می زند.

اخلاقی که داعی مسلمان بایستی بدان متصف باشد، همان اخلاقی است که الله تعالی در قرآن ائرا بیان نموده و رسول الله صلی الله علیه و سلم در سنتش به تفصیل از آن سخن گفته و صحابه کرام سلوک و

☑ اخلاقی که  
داعی مسلمان  
بایستی بدان  
متصف باشد،  
همان اخلاقی  
است که الله  
تعالی در قرآن  
ائرا بیان نموده  
و رسول الله (ص)  
در سنتش به  
تفصیل از آن  
سخن گفته و  
صحابه کرام  
سلوک  
و رفتارشان را  
بدان  
آراسته اند.



ضروری است که در حد توان خود، مقداری از قرآن را حفظ نماید و نسبت به تلاوت آن با تجوید کامل و به همراه خشوع و ادب و با تأمل و تدبیر در مفاهیم آن اهتمام داشته باشد. و جهت آشنایی با سنت و سیره عملی رسول الله صلی الله علیه وسلم از مطالعه کتب احادیث و سیره غفلت ننماید.

۲. آگاهی از مسائل فقهی: شخص داعی می بایستی بمقدار کافی و مناسب از مسائل فقهی آگاهی داشته باشد، بگونه ای که احکام مهم شرعی را درباره عبادات، معاملات و آداب زندگی بشناسد. و از آنها اطلاعات کافی داشته باشد.

۳. آگاهی از مسائل عقیدتی: بر داعی لازم است که در شناخت و معرفت الله تعالی تلاش نماید و عقیده توحیدی محض را برگزیند و جهت استوار نمودن عقیده توحیدی خود مطالعات بسیاری نماید.

از جمله دانستیهای لازم دیگر برای کسیکه خود را جهت دعوت و تبلیغ آماده می کند، آشنایی با مبانی تصوف، نظام اسلامی، بینش و شناخت تاریخی است. بر دعوتگران ضروری است تا داستان زندگی و سیرت مردان بزرگ، و استقامت و پایداری علما و دعوتگران و افراد صالح را مورد توجه قرار دهند و در این زمینه مطالعاتی بنمایند. مطالعه زندگی خلفای راشدین، داستان پیامبران و انبیای گذشته، خلفای زاهد، توبه کنندگانی همچون فضیل بن عیاض و سایر عارفان و صوفیان بزرگ می تواند در رسیدن به اهداف داعی را کمک نماید.

از دیگر دانستیها برای شخص داعی، دانستیهای ادبی و زبانی، دانستیهای روانشناسی، اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی است. دانستن مبانی علم جامعه شناسی، مردم شناسی و قوم شناسی می تواند به داعیان کمک نماید تا بهتر بتوانند در قلوب مردم جایی برای دعوت باز نمایند. استفاده از علم تربیت و علم اخلاق از دیگر لوازم داعیان است. دعوتگران در حقیقت مریبان جامعه و مصلحان بشریت اند، بر داعی لازم است که از اصول و روشهای تربیتی و اخلاقی اسلام آگاهی داشته باشد. همینطور داعی می بایستی یکرشته دانستیهای علمی از جهان پیرامون خود داشته باشد آگاهی نسبی جغرافیایی، بهداشتی و پزشکی، آگاهی ژنتیک بدن انسان، حیوان و گیاهان و آگاهیهای

به آن، نیکی دیگر، بدیهی است رها ساختن یک نیکی، ترک نیکی دیگر را ایجاب نمی کند.»<sup>(۱)</sup> و در پایان می نویسد: «بنا بر این منظور از آیه «اتأمرون الناس...» این نیست که برای فرد بی عمل نصیحت کردن جایز نیست، بلکه منظور این است که واعظ نباید بی عمل باشد، گر چه بی عمل بودن برای واعظ و غیر واعظ ناجایز است، اما جرم واعظ در مقایسه با غیر واعظ سنگین تر است؛ زیرا واعظ با شناخت جرم، آگاهانه مرتکب آن می شود.»<sup>(۲)</sup>

از این رو بر دعوتگران است تا خود را بر این صفت بیاریند و این توشه را در کوله بار خویش داشته باشند، زیرا زمانی که داعی توانست خود را بر این صفت بیاراید، سیرت پاکیزه وی دعوت خاموشی است به سوی اسلام، و بسیار واضح و بدیهی است که دعوت خاموش و به قول معروف دعوت عملی رساتر و برانگیزاننده تر از دعوت قولی است و تأثر جامعه از دعوت عملی بیشتر و بهتر از دعوت قولی است.

#### ۵. دانستیهای لازم برای دعوتگران؛

از دیگر توشه هایی که بر داعی ضروری است خود را بدان مسلح نماید، علم و اطلاعات است، روح کنجکاو و جستجوگر مخاطبان (بخصوص قشر دانش آموختگان و تحصیلکردگان جوان جامعه) می طلبد تا هر دعوتگری نسبت به دانستیهای خود تجدید نظر کلی نماید، و از طرفی دیگر عظمت کار دعوت و وسعت و گستردگی آن نیز می طلبد تا هر مبلغی خود را به علم و دانش و آگاهی و معرفت مسلح نماید. و انتظار عصر حاضر بخصوص نسل جوان، قشر فعال و پویای جامعه از داعیان این است که، آنگاه که در برابر آنان زانوی تلمذ می نهند، به دریایی از معرفت و شناخت، عشق و عرفان، و علم و اطاعت دست یابند، اما اندک اندک پاسخ گویان این عاشقان و شیفتگان مکتب قرآن و سنت، لذا بر دعوتگران لازم و ضروری است که نسبت به این بُعد از تقویت خود عنایت خاصی بنمایند و در این راستا تلاشی مستمر و مثمر ثمر انجام دهند. بدین منظور هر دعوتگری نیازمند مجموعه ای از دانستیها و اطلاعات است. بطور مختصر این مجموعه را می توان بصورت زیر ارائه نمود:

۱. شناخت و آگاهی از منابع و مأخذ اصلی اسلام که شامل قرآن و سنت می باشد. برای دعوتگر لازم و

#### ❑ دانستن

#### مبانی علم

#### جامعه شناسی،

#### مردم شناسی و

#### قوم شناسی

#### می تواند به

#### داعیان کمک

#### نماید تا بهتر

#### بتوانند در

#### قلوب مردم

#### جایی برای

#### دعوت باز

#### نمایند.

نجومی و طبیعی می تواند داعی را در بیان بزرگی و عظمت الله تعالی یاری نماید.»<sup>(۱)</sup> به همراه داشتن توشه های فوق از اهم ترین و ضروری ترین توشه هایی است که هر دعوتگری برای کسب پیروزیهای فردی بدانها نیازمند است. اما علاوه بر موارد فوق جهت حسن ختام مقاله و از طرفی جهت هر چه کاملتر شدن آن، اصول و ضوابطی که باعث پیروزیهای چشمگیر جماعت تبلیغ در سراسر دنیا شده است، از زبان دعوتگر بزرگ شیخ ابوالحسن ندوی رحمه الله را یاد آور می شوم تا دعوتگران این اصول را نیز فراروی خود قرار دهند تا بدان وسیله بتوانند در راه دعوت همچون دعوتگران نهضت عظیم دعوت و تبلیغ راسخ و استوار بمانند.

استاد ندوی عوامل مؤثر و مهم در پیشرفت جماعت تبلیغ را چنین می نویسد: «بعد از رضامندی الله تعالی و مورد قبول شدن این کار، مهمترین عاملی که در پیشرفت آن مؤثر بوده است، همان اصول و ضوابطی هستند که داعی اول و نخستین مؤسس آن مولانا محمد الیاس رحمه الله رعایت آنها را لازم و ضروری قرار داده و بی وقفه به تلقین و تبلیغ آنها پرداخته است. این اصول عبارتند از: ۱- تفکر و اندیشه در معانی و خواسته های کلمه طیبه ۲- دانستن فضایل عبادات و فرائض بخصوص نماز ۳- حصول علم و استحضار فضایل کسب آن و اشتغال و رزیدن به ذکر و یاد الهی ۴- رعایت احترام مسلمانان و ادای حقوق آنان (اکرام مسلم) ۵- انجام دادن اعمال صرفاً بخاطر کسب رضای الهی ۶- خروج فی سبیل الله و عشق به دعوت الی الله» استاد ندوی در ادامه می نویسد: «این اصول از عناصر و ویژگیهایی بودند که باعث شد این نهضت از قرار گرفتن در ردیف نهضتهای سیاسی و مادی محفوظ بماند و دست آویزی برای کسب منافع و درآمد و رسیدن به پست و مقام نشود. بلکه به

این اصول از عناصر و ویژگیهایی بودند که باعث شد این نهضت از قرار گرفتن در ردیف نهضتهای سیاسی و مادی محفوظ بماند و دست آویزی برای کسب منافع و درآمد و رسیدن به پست و مقام نشود.

عنوان یک نهضت دینی خالص باقی بماند و فقط وسیله ای باشد، برای بدست آوردن رضایت پروردگار»<sup>(۲)</sup>. شایان شان دعوتگران است تا خود را متصف به این صفات نمایند تا آنها را در جهت تحقق اهداف و آرمانهای الهی و ربانی یاری نماید. والله المستعان

#### پیورقی:

- ۱- ندوی، ابوالحسن علی، نبی رحمت، ترجمه محمد قاسم قاسمی، ص: ۱۲۴.
- ۲- ندوی، ابوالحسن علی، نگرشی نوین بر تزکیه و احسان، ترجمه عبدالقادر دهقان، ص: ۹۹.
- ۳- ندوی، ابوالحسن، نگرشی نوین بر تزکیه و احسان، ترجمه عبدالقادر دهقان، ص: ۱۸۸.
- ۴- همان
- ۵- عثمانی، محمد شفیع، معارف القرآن، ترجمه محمد حسین یوسف پور، ص: ۲۶۰.
- ۶- همان، ص: ۲۶۱.
- ۷- زیدان، عبدالکریم، اصول الدعوة، ص: ۳۹۳.
- ۸- عثمانی، محمد شفیع، معارف القرآن، ترجمه: محمد یوسف حسین پور، ص: ۲۷۸.
- ۹- همان، ص: ۲۷۸.
- ۱۰- همان، ص: ۲۷۹.
- ۱۱- این مجموعه برگرفته از کتاب دانستنیهای لازم برای مبلغ اثر دکتر یوسف قرضاوی، ترجمه محمد صالح سعیدی است.
- ۱۲- برگرفته از مقدمه کتاب الاحادیث المنتخبه، اثر مولانا محمد یوسف کاندهلوی، ترجمه: محمد کریم صالح است.